**انترناسیونال ۷۱۱**

**مردم افغانستان را باید نجات داد**

**پیرامون تأثیرات سیاسی بازگشت گلبدین حکمتیار**

**سیامک بهاری**

بازگشت گلبدین حکمتیار، قصاب کابل، جنگ افروز و تروریست شناخته شده اسلامی، یکی از هارترین و خشن‌ترین رهبران جهادی، پدیده‌ای منطقی در کشمکش و زد و بندهای سیاسی در افغانستان است. پس از طی بیش از یکسال معامله بر سر چگونگی شرکت در تقسیم قدرت سیاسی، تحت نام، ایجاد فضای تفاهم و صلح، به افغانستان بازگرداندن گلبدین با مصونیت قضایی او عملی شد.

در سپتامبر ۲۰۱۷ مراسم به فرجام رسیدن توافقات صلح، به صورت زنده از شبکه تلویزیونی افغانستان پخش گردید. بخش قابل ملاحظه‌ای، بیش از ۳۰۰۰ تروریست‌ زندانی این حزب شامل عفو گردیدند. میراث شوم و خونین او، بخشی از سناریوی سیاه تحمیل شده به مردم افغانستان است. او برای این میلیونها مردم و بویژه نسلی که قربانیان مستقیم جنایات او هستند، فقط یک فرد و حتی یک حزب نیست! این فقط او و حزب اسلامی نیست که مجددا و رسما به اریکه قدرت سیاسی حاکم باز می‌گردند! فراتر از تاریخ پر از فجایع بی شمار حکمتیار و باند تبهکارش، این یک وجه بارز از اوضاع سیاسی افغانستان و منطقه است که پیوند و اتحادی را ضروری می‌کند.

یکی از مشهورترین جنایات او راکت باران کابل در سال ۱۹۹۲ است. جنایت جنگی که بیش از هفتاد هزار کشته و مجروح و آواره بجای گذاشت. او را به همین دلیل، گلبدین راکتیار نیز می‌خوانند.

گلبدین حکمتیار در حکومت مجاهدین، از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶بمدت سه سال نخست وزیر افغانستان بود. با جدایی از حزب جمعیت اسلامی و تأسیس حزب اسلامی راه خود را از برهان‌الدین ربّانی جدا کرد. نزدیکی و هم‌جهتی او با ضیاءالحق، نخست وزیر وقت پاکستان و دستگاه امنیتی پاکستان از او مهره‌ای خطرناکتر ساخت. او با تکیه به امکانات ویژه سازمان سیا، در دوران جنگ سرد. همدستی با سازمان امنیت پاکستان و بعدها کمک‌‌های وافر جمهوری اسلامی ایران، به یکی از مهره‌‌های مهم تروریستی منطقه بدل گردید. در تهران بصورت علنی دفتر مرکزی حزبش را دایر کرد و نیروهای مسلح او از پایگاه‌هایی که در اختیار داشتند دست به حملات گسترده نظامی می‌زدند.

با سقوط کابل و تسلط طالبان، حکمتیار به شمال افغانستان رفت و پس از مدتی به جمهوری اسلامی ایران پناهنده شد و از همه امکانات امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی بهره برد. پس از سقوط طالبان از ایران خارج شد. هم‌جهت با سیاستهای امنیتی پاکستان به مخالفت با جمهوری اسلامی ایران پرداخت. هنگام حمله نظامی آمریکا به افغانستان حکمتیار اعلام کرد که در برابر نیروهای آمریکای خواهد ایستاد و چنین نیز کرد. دولت وقت آمریکا برای سر او مبلغ ۲۵ میلیون دلار جایزه تعیین کرد و او را به عنوان تروریست بین‌المللی تحت تعقیب قرار داد.

مشهور است که حکمتیار پیش از بقدرت رسیدن دونالد ترامپ با او شروع به مکاتبه و نامه نگاری نمود. او خود را نماینده مردم افغانستان معرفی کرد و از ترامپ خواست که پس از پیروزی، نیروهای امریکایی را از افغانستان خارج کند. او دراین نامه تاکید می‌کند که دولت وحدت ملی دست ساز "جان کری" وزیر امورخارجه وقت امریکاست.

بازگرداندن گلبدین بر بستر بن بست سیاسی حکومت وحدت ملی و رقابت و کشمکش بی پایان در میان جناح‌ها و باندهای حکومتی، بعنوان بخشی از خود دعوا و یک ضرورت، بویژه برای باند اشرف غنی و بعنوان یک وزنه تعادل قدرت حائز اهمیت است. وجه تشابه او با حاکمیت کنونی افغانستان و نیاز متقابل آنها به یکدیگر این نزدیکی را ممکن و عملی کرده است.

اگرچه گلبدین علیه حکومت حامد کرزای فراخوان جهاد داد و او را دست نشانده امریکا ‌خواند اما پروسه صلح با طالبان که در زمان کرزای مخفیانه شروع شده بود. زمینه را برای نزدیکی و تفاهم با حکمتیار فراهم کرد. او به درستی دریافته بود که دولت افغانستان عزم و برنامه‌ای علیه طالبان ندارد.

در عین حال تشتت و چند دستگی و شاخه شاخه شدن صفوف حزب اسلامی، بخشا به سبب تشابه منافع سیاسی و ایدئولوژیک و تمایل به همکاری و مشارکت در قدرت با دولت کرزای و اشرف غنی سبب شد که بخشی از رهبری حزب عملا از حکمتیار جدا شود و به ساختار قدرت حاکم بپیوندد. از هم گسستگی تشکیلاتی از یکطرف و قدرت گیری طالبان در بخش‌های وسیعی از کشور و به موازات آن رشد و گسترش دامنه نفوذ داعش از طرف دیگر، محمل جدی‌تری برای به فرجام رسیدن این تفاهم فراهم کرد.

دولت به اصطلاح وحدت ملی با خارج کردن حکمتیار از لیست سیاه سازمان ملل، سبب منع تعقیب بین‌المللی او شد و زمینه حضور علنی او را فراهم کرد. این در حالی است که ده‌ها هزار نفر قربانیان حملات تروریستی حکمتیار از دسترسی به هر عدالتی محروم شده‌‌اند.

اعمال نفوذ آشکار امریکا و سازمان امنیت پاکستان در شورای عالی صلح عملا به کمک حزب اسلامی حکمتیار شتافت و موافقت نامه هیجده ماده‌ای صلح که عملا امتیازات ویژه برای حکمتیار است. او را در کنار این شورا قرار داد. در اقدامی متقابل "امین کریم" از مسئولین ارشد حزب اسلامی اعلام کرد که شاخه نظامی این منحل شده است.

مفاد اصلی این توافق‌نامه به صراحت نشان می‌دهد که دولت افغانستان تمامی امکانات لازم و ضمانت‌های دیپلماتیک بین‌المللی را برای این توافق می‌پذیرد: در توافقنامه چنین تصریح شده است.

«- **بخش اول:** تعهدهای دولت جمهوری اسلامی افغانستان:

ماده پنجم: دولت جمهوری اسلامی افغانستان تضمین می کند که با امضای این موافقتنامه، در تماس با شورای امنیت سازمان ملل متحد و تمامی دول ونهادهای ذیربط، بخاطر قطع دایمی جنگ و برقراری صلح و امنیت پایدار در افغانستان روند رفع تمام تحریم های را که در مورد حزب اسلامی افغانستان، رهبر واعضای آن وضع شده با ارایه تقاضای رسمی مبنی بر رفع تحریم ها آغاز نماید.

همچنین دولت افغانستان مکلف است تا در این راستا با استفاده از تمامی امکانات تلاش های همه جانبه را بکار گیرد تا هر نوع تحریم بر علیه رهبر و اعضای حزب اسلامی در اسرع وقت از میان برداشته شود.

ماده ششم:

دولت جمهوری اسلامی افغانستان همزمان با امضای این موافقتنامه رسما اعلام می دارد که رهبر حزب اسلامی افغانستان و دیگر شخصیت های برجسته آن می توانند در هر جای از این کشور که خواسته باشند مطالبق با قوانین کشور آزادانه زندگی نمایند و دولت جمهوری اسلامی افغانستان خود را مکلف به تامین شرایط لازم و مساعد برای تحقق این شرایط می داند.»

حکمتیار پس از اینکه رسما از جانب اشرف غنی، عبدالله، حامد کرزای و سیاف مورد استقبال قرار گرفت ـ در حالیکه میلیونها مردم کشورغرق انواع مصائب اجتماعی، جنگ، ناامنی، گرانی، بیکاری، آوارگی به حال خود رها شده‌اند و ریاضت اقتصادی و فساد عظیم و بی مانند دولتی‌، بخش عظیمی از مردم کشور را عملا به نابودی کشانده است. در اولین سخنرانی رسمی اش که با صرف هزینه ۴ میلیون دلاری در یک استادیوم ورزشی مهیا شده بود ـ قبل از هر چیز بر آتش قومیت و قبیله گرایی دمید، آزادی‌های مدنی و فعالیت اجتماعی زنان را بشدت مورد حمله قرار داد. سیستم انتخابی و پارلمانی را به باد انتقاد گرفت و خواهان تعطیلی همه موازین انتخابی کشور گردید. الگوی حکومتی پیشنهادی او الگوی امارت اسلامی طالبان بود. او به صراحت بر تفاهم مذهبی و ایدئولوژیک با طالبان تاکید کرد و ‌آنها را برادران دینی و افغان و خودی خطاب کرد، که باید در قدرت و حکومت شریک شوند و اینگونه به جنگ خاتمه داده شود.

افغانستان بر لبه پرتگاه هولناکی قرار گرفته است. از هر طرف مردم در محاصره‌اند. باندهای حکومتی در بن بستی فلج کننده و بدون هیچ افقی برای برونرفت و نجات مردم، بازیچه و عامل اجرایی قدرت‌های بین‌المللی‌اند. در اوضاع نظامی و ژئوپولوتیک منطقه بیش از هر وقت دیگر مردم و منافع عموم جامعه را قربانی مطامع خود خواهند کرد.

اعزام بیش از ۳۰۰۰ نیروی تازه نفس امریکا و تقویت مداوم داعش و بازگذاشتن دست طالبان، نمونه‌ای روشن از ادامه قدرت‌نمایی و جنگ‌های نیابتی در افغانستان است.

درغیاب یک نیروی مترقی، چپ و سوسیالست که با کسب اعتماد مردم تناسب قوای کنونی را به هم بزند، امیدی به برون رفت از وضعیت کنونی متصور نیست. این وضعیت تنها با اتکا به چنین نیروی اجتماعی قابل تغییر است.